

آینده سیستم پولی بانکداری افغانستان

بخش اول

اول – پیشگفتار:

معلوماتی را که در این اواخر از رسانه ها در قبال وضع بانکی افغانستان بدست می آوریم، چندان خوش بینانه نیست. گرچه مقامات دافغانستان بانک بعضی اقداماتی را به ارتباط حل مشکلات بحران بانکی اتخاذ نموده است، اما در قسمت آینده بانکداری، کفایت مسلکی و دانش امور علم تصدی بانکداری برای مدیران، لیاقت مامورین، رفع تضادهای سیاسی قومی در دافغانستان بانک و جلب دوباره اعتماد مردم افغانستان و جهانیان دربرابر سیستم بانکی افغانستان از یک ستراتیژی و برنامه مشخص پیروی نه گردیده است. دیده میشود که معلوماتی را که دافغانستان بانک در مدت یک ماه اخیر در باره بحران بانکی (کابل بانک) به رسانه ها ارائه کرده است، ضد و نقیض و غیر آفاقی می باشد. در هیچ اطلاعیه ای اشاره به کاستی ها و نارسائی ها مخصوصاً در قسمت عدم تطبیق قانون بانکداری افغانستان، سیاست غیر مؤثر پولی، عدم اقدامات لازمه درباره نظارت بانکی، کمبود آمرین و کارکنان فنی و با مسؤولیت، عدم مشوره لازمه با دولت و عدم حمایت سیاست اقتصادی دولت نه شده و دلائل قناعت بخشی ارائه نه گردیده است. انداختن مسؤولیت خود به عهده دیگران و هم اظهارات معاون اول دافغانستان بانک در باره جلوگیری از داد و ستد با پول های خارجی (خبر روز ۱۱ می ۲۰۱۱ افغان جرمن آنلاين)، سندی برای بیچارگی و درماندگی رهبریت افغانستان بانک می باشد.

با انکشاف و توسعه سریع بانکهای معاملاتی (تجارتی)، مقامات دافغانستان بانک نتوانستند، لویح ضروری را بصورت متداوم غرض تطبیق قانون دافغانستان بانک و قانون بانکداری طرح نمایند. به این ترتیب، این بانک از کاروان انکشاف و توسعه بانکداری در افغانستان به عقب ماند. بی کفایتی های مسلکی و تخصصی، قوم زدگی و تنظیم زدگی در دافغانستان بانک، خود سری ها در بانکهای معاملاتی و فشار زورمندان، باعث شدند که دافغانستان بانک به حیث یک ارگان مستقل در انجام وظائف قانونی ای نظارت بانکی طوری که در ماده سوم قانون این بانک آمده است، ناکام شود. دافغانستان بانک اجباراً خلاف رفتاری های قانونی بانکهای معاملاتی را (مثلاً در قسمت سپرده های بخت، بانکداری اسلامی و اعطای قرضه های غیر مجاز) یا خاموشانه تحمل نموده و یا حتی آنرا با اشتراک مسؤولین دافغانستان بانک در مجالس تبلیغی قبول نموده است، (مثلاً در گردهمائی که در سال گذشته در بانک ملی راجع به بانک داری اسلامی دائر شده بود، جناب محترم وزیر مالیه و جناب محترم رئیس عمومی دافغانستان بانک اشتراک داشتند و اظهارات رئیس بانک ملی را در قسمت تطبیق سیستم بانکداری اسلامی مورد تحسین قرار دادند، بدون آنکه قانون بانکداری اسلامی تدوین یافته باشد و یا بدون اینکه از طرف بانک ملی توضیح شده باشد که میکانیزم و شرائط تخنیکی اجرای معاملات بانکداری اسلامی چگونه می باشد).

همچنین د افغانستان بانک وظیفه خود را به حیث حامی ارزش پول ملی (افغانی) و سیاست اقتصادی دولت بوجه احسن انجام نداده است. نویسنده طی دومقاله تحت عنوان " بحران بانکی افغانستان و گزینه های سالم سازی آن " و " آیا دافغانستان بانک واقعاً قادر به انجام وظائف نظارتی خود برای وقایه از بحران بانکی هست؟ " تحریر نموده که اولی آن به تاریخ ۲۶ اکتوبر ۲۰۱۰ و دومی آن به تاریخ ۹ فیروزی ۲۰۱۱ در پورتال وزین " افغان جرمن آنلاين " به نشر رسید. هر دو مقاله حاوی معلومات بیشتر در باره مطالبی می باشد که در فوق به صورت خلاصه تذکار یافت. مزید بر آن هر دومقاله به جناب محترم آقای فطرت رئیس عمومی دافغانستان بانک فرستاده شد. پس در این مقاله موضوع مطالعه ما را عدم تطبیق قوانین بانکی، خلاهای قانون بانکداری افغانستان منجمله عدم عام فهم بودن این قانون و پیشنهادات اصلاحی که در آینده مانع بروز بحران بانکی بعدی شده بتواند، تشکیل می دهد.

دوم – عدم تطبیق، عدم صراحت و خلاهای قوانین بانکی:

الف – قانون دافغانستان بانک:

۱- مسائل پولی: پول رایج، واحد پولی، موجودی پول رایج، پلان نشر و طرز العمل حسابداری پول نشر شده (مواد سی و سوم، چهل و چهار یکم قانون دافغانستان بانک).

دپانو شمیره: له ۱ تر 5

طبق ماده سی و سوم این قانون " پول رایج و واحد پولی افغانستان، افغانی بوده و علامه آن Af می باشد". ارزش پول افغانی در این قانون تعیین نه شده است، اما چون در ماده اول قانون بانکداری جمهوری اسلامی افغانستان ارزش پول افغانی معادل به ۱۹۷۴۸۲،۰۰۰ گرام طلای خالص و یا معادل ۰،۰۲۲۲ حق برداشت خاص (Special Drawings Wright - SDR) تعیین و به صندوق وجهی بین المللی اطلاع داده شده است، پس امکان دارد که روحیه و متن ماده اول قانون متذکره از طرف وزارت مالیه و دافغانستان بانک مورد قبول قرار گرفته باشد. اگر چنین نباشد و یک ارزش دیگری از طرف دافغانستان بانک تثبیت شده باشد، باید در قانون دافغانستان بانک علاوه شود (خلای قانونی)؛ زیرا سپرده های ممالک عضو صندوق وجهی بین المللی برای تصفیه تبادلات بین المللی و اخذ قرضه از صندوق وجهی به اساس SDR سنجش می شود. بناءً باید تثبیت ارزش واحد پولی افغانی شکل قانونی را به خود بگیرد.

در جزء (۳) ماده سوم موضوع استقلال و خود مختاری دافغانستان بانک می نویسد: دافغانستان بانک به منظور تحقق اهداف خود مطابق احکام این قانون دارای استقلال کامل بوده و هیچ کس نمی تواند اعضای هیأت تصمیم گیرنده را در انجام وظائفی که بعهدہ دارند، تحت تأثیر ناجایز قرار داده و یا بر آنها و صلاحیت قانونی آنها و سایر اموری که در حیطه صلاحیت آنها می باشد و به نمایندگی از دافغانستان بانک شرکت می کنند، مداخله نماید. "

طوریکه تجربه نشان داده شورای عالی (به استثنای تعداد محدود) و هیأت مدیره بانک (رئیس عمومی و معاونین) به اساس ارتباطات سیاسی و تنظیمی انتصاب شده اند. این دو ارگان دارای کفایت استقلال و خود مختاری نبوده و قادر نیستند که تضاد های قومی و تنظیمی ای که بین کارمندان وجود دارد از بین بردارند. واضح است که این تضاد ها مؤثریت و مؤلدیت اداره بانک مرکزی را تضعیف نموده و باعث گردید تا دافغانستان بانک در تحقق یابی وظایف و اهداف ناتوان باشد. طبق ماده چهل "دافغانستان بانک مکلف است مستقیماً موجوده ذخیره پول رایج را اداره و پلان نشر را ترتیب و از عرضه کافی بانکوتها و سکه جهت تأمین نیاز های پولی و اقتصادی افغانستان اطمینان حاصل نماید". در ماده چهل و یکم آمده است: " بانکوتها و سکه های تحت دوران در حسابات دافغانستان بانک به عنوان بدیهی آن معامله می گردد. بانکوتها و سکه های ذخیره شده در خزانه دافغانستان بانک شامل این بدیهی ها نمی باشد". اینکه این دو ماده تاچه اندازه از طرف دافغانستان بانک تعمیل شده است، از تشریحات ذیل استخراج شده می تواند.

در این جای شکی نیست، که در دوره انتقالی در ساحة پول و بانکداری افغانستان تحولات زیادی بوجود آمد. اولین اقدام عبارت از اصلاح پولی سال ۱۳۸۱ بود، که مورد علاقمندی اهالی افغانستان قرار گرفت. زیرا در ابتدای دوره انتقالی در پهلوی پول افغانی که از طرف حکومت مرکزی نشر می شد، پول های غیر قانونی از طرف بعضی تنظیم های جهادی در مناطق مربوطه شان هم در چلند بود. مزید بر آن دالر امریکائی، روپیه پاکستانی و ریال ایرانی به حیث وسیله تبادل مورد استفاده قرار می گرفت، که به این طریق پول افغانی هویت ملی خود را به کلی از دست داده بود. بنابراین تعداد کثیری از هموطنان ما که شاهد سالهای جنگ و عدم ثبات اقتصادی در کشور بودند، اصلاح پولی را گام ارزش مند و نیکی تلقی کرده از آن استقبال کردند.

اما جریان قسماً غیر کنترل شده تبادل پول جدید به پول کهنه، امیدواری و توقع آنها را به یأس مبدل نمود. این اصلاح پولی به ضرر پس انداز کنندگانی که در زمان صلح و آرامش مبالغ کوچکی برای روز مبادا پس انداز کرده بودند، به ضرر متقاعدین و به زیان قرضه های اعطا شده بانکهای آن وقت ها تمام شد؛ زیرا برای تبادل این قرضه ها یک شاخصی (Index) که ممیز ارزش واقعی تبادل باشد، تثبیت نشد. به قرار نشرات آنزمان پیام مجاهد، یک قسمت پول های کهنه تبادل شده، بدون اینکه از بین برده شود، دو باره مورد تبادل قرار گرفت. ⁱ این خود نشان می دهد که مبالغ بیشتر پول کهنه در برابر مبلغ پول جدید و اسعار تبدیل شده است. چنانچه پیام مجاهد در نشریه مورخه ۱۲ جدی ۱۳۸۱، به اتکاء به مصاحبه ای که این نشریه با آقای داکتر احدی رئیس عمومی آن وقت دافغانستان بانک داشت، نوشت که دافغانستان بانک تا آن تاریخ که روز اخیر تبادل بود، مجموع پول کهنه را به هجده هزار میلیارد افغانی و پول های جدید را جمعاً به مبلغ سیزده هزار و یکصدوسی و چهار هزار میلیارد قلمداد کرد، پس متبایقی پول های کهنه و تقلبی در برابر ذخایر اسعار خارجی دافغانستان بانک تبادل شده است. ⁱⁱ از این توضیحات بر می آید، که شاید در حدود ۴،۹ میلیارد پول های غیر قانونی و یا به قرار ادعای پیام مجاهد در اثر تقلب در تبادل به اسعار خارجی تبدیل شده باشد.

گرچه به سبب اینکه عادت تأدیاتی به چک و حواله در افغانستان کم است، تثبیت حجم و مبلغ پول در دوران، در داخل افغانستان کار آسان نیست، پس دافغانستان بانک وظیفه دارد تا مطابق ماده چهل و یک قانون دافغانستان بانک به اساس یک مطالعه دقیق درباره موجودیت پول افغانی در کسه واحدهای اقتصادی داخلی و ممکن در بازار های پاکستان، یک پلان ستراتیژی برای روز مبادا (Crash) ترتیب نماید، تا نشود با عرضه و به جریان انداختن این پول

های فعلاً راكد (پول نگهداری شده در كسه ها) به داخل افغانستان، تورم پولی به وجود آید كه ضرر آن برای اجتماع و اقتصاد در حال ركود افغانستان، غیر قابل تصور خواهد بود.

كسانی كه در هنگام جهاد به حیث مهاجر مقیم پاکستان بودند، به خاطر دارند، كه طور مثال در دكاكین صرافان بازار صدر پشاور مبالغ زیاد پول افغانی برای تبادل و وجود داشت، به احتمال قوی این حالت در بازار كویته هم موجود بودⁱⁱⁱ. حتماً این ذخایر پولی در برابر پول جدید تبادل شده اند. اینكه پول های تبادل شده فعلاً در كجا می باشند، خارج از تصور نویسنده است، باید شعبات مربوطه د افغانستان بانک غرض اداره درست پول های موجود تدقیقات جدی انجام دهند تا به دستور ماده چهل و یکم عمل کرده باشند.

۲- اهداف و وظایف د افغانستان بانک:

یک- در جزء (۱) ماده دوم قانون د افغانستان بانک آمده است: "هدف عمده د افغانستان بانک عبارت از تأمین و حفظ ثبات قیمت های داخلی است". گرچه جمله "حفظ ثبات قیمت های داخلی" به عبارت دیگر استقرار قیم می باشد، اما باعث سوء تفاهم می شود و اکثریت به این فکر می باشند كه د افغانستان بانک باید در تنظیم و كنترول قیمت ها مداخله كند. در حالیکه هدف مذکور چنین نیست. وظیفه یک بانک مرکزی هرگز، خواه در سیستم اقتصاد بازار و خواه در سایر سیستم های اقتصادی، حفظ ثبات قیمت ها از طریق مراقبت و كنترول نبوده، بلکه حفظ و ثبات ارزش پول رایج (ارزش داخلی و ارزش خارجی پول) می باشد. در اقتصاد بازار قیمت ها در اثر عرضه و تقاضای اشیای اقتصادی تثبیت می شود و ثبات قیمت ها در اثر توازن متداوم بین عرضه و تقاضای امتعه و خدمات بوجود می آید. بانک مرکزی هرگز قادر نیست تا به صورت مستقیم ثبات قیمت ها را حفظ نماید، یعنی بصورت متداوم با عرضه اشیای اقتصادی قیمت ها را توازن بخشد. تجربه نشان داده است كه در ممالك سوسیالیستی این امر امکان نداشت. تشریحات بیشتر در این باره ما را از اصل موضوع دور می سازد. اما به صورت خلاصه باید گفت، كه غرض جلوگیری از سوء تفاهم باید در جزء (۱) ماده دوم "حفظ ثبات قیمت ها"، با این توضیح كه مرام "حفظ ارزش داخلی و خارجی پول رایج افغانی است"، تكمیل گردد. زیرا د افغانستان بانک نه وظیفه و نه توان آنرا دارد تا به مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم به ثبات قیمت ها اقدام نماید، تجربه هشت سال گذشته این ادعای ما را ثابت می سازد. از نگاه نظری می توان به وسیله ابزار و یا وسایل سیاست پولی بالای حجم عرضه پول تأثیر آورد و به این طریق ارزش داخلی و خارجی پول ملی را حفظ نمود. متأسفانه در این قسمت هم د افغانستان بانک كاملاً موفق نبوده است. در افزایش قیمت ها در افغانستان، در قدم اول تأثیر منفی كسر بیلانس تجارت خارجی (پائین بودن مخصوصاً در تجارت با ممالك همسایه بالخصوص پاکستان و ایران)، پائین بودن سطح محصولات اجتماعی در اثر عدم تشویق كافی سكتور خصوصی، بلند رفتن بهای پترول و مواد غذایی در جهان، نقش دارد. در قدم دوم سهم غیر فعالانه سیستم بانکی در حصه تمویل سرمایه گذاری و تمویل نیازمندی های ضروری مالی در سكتور خصوصی تبارز می كند. تنقید دیگری كه بالای د افغانستان بانک صورت می گیرد، پخش احصائیه های نادرست^{iv} در قسمت بلند رفتن عاید ملی (واضح نه شده است، كه آیا منظور عاید ملی اسمی است، یا عاید ملی حقیقی) و قیمت های داخلی می باشد. به این طریق د افغانستان بانک چنان وانمود می كند كه قیمت ها در افغانستان بعد از به وجود آمدن دولت جمهوری اسلامی صعود نه کرده است، در حالی كه جدول ذیل میلان دیگری را ارائه می كند:

نرخ مواد اولیه در كابل به افغانی				
نرخ دالر:				
به تاریخ ۲۱ سنبله ۱۳۸۱		۵۲.۰۰ افغانی (۱)		
به تاریخ ۲۱ ثور ۱۳۹۰		۴۵.۸۰ افغانی		
شماره	جنس	به تاریخ ۲۷ سنبله ۱۳۸۱	شاخص فیصدی	به تاریخ ۲۲ ثور ۱۳۹۰
		(۲) به افغانی	صعود قیم در ثور ۱۳۸۵ به اساس ۱۳۸۲	(۴) به افغانی
		(۳)		
۱	آرد گندم فی سیر	۸۰	128,1%	۱۵۰
۲	برنج اعلی فی سیر	۲۰۰		۳۷۲

د پانو شمیره: له ۳ تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنيت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليكنيزې بڼې پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكې په څير و لولئ

۳	لوبیا فی سیر	۲۰۰	۵۰۰
۴	بوره فی سیر	۱۴۰	۳۲۰
۵	پیاز فی سیر	۵۰	۱۰۰
۶	گوشت فی کیلو	۹۰	۳۰۰
۷	تیل دیزل فی لیتر	۶۵	۵۸
۸	تیل پترول فی لیتر	۶۵	۵۷
۹	برنج شله ئی فی سیر	۸۰	۲۰۰
۱۰	چوب سوخت فی سیر	۱۴	۷۰
۱۱	نمک فی سیر	۲۰	۱۰۵
۱۲	کچالوفی سیر	۴۵	۱۲۰
۱۳	گوشت گاو فی کیلو	۶۰	۲۴۰
۱۴	روغن فی قطعی	۳۲۹	۶۰۰

۱- قبل از اصلاح پولی ۵۲۰۰۰ افغانی

۲- از این مبلغ، چون قبل از اصلاح پولی بود، سه صفر کم شده است. به اساس معلومات انترنتی مورخه ۲۲ سپتمبر ۲۰۰۲ افغان مجاهد.

۳- از این مبلغ، چون قبل از اصلاح پولی بود، سه صفر کم شده است. به اساس معلومات انترنتی مورخه ۲۲ سپتمبر ۲۰۰۲ افغان مجاهد.

۴- برای مقایسه افزایش قیمتها به مقایسه سال ۱۳۸۲ از نشریه شماره ۴۵ جواز ۱۳۸۵ اداره احصائیه مرکزی جمهوری اسلامی افغانستان استفاده شده است.

۵- به اساس معلومات شخصی از بازار کابل.

گرچه احصائیه های افغان مجاهد و شخصی به مقایسه معلومات احصائیه مرکزی کاملاً دقیق نیست، اما به صورت عموم می توان از آن سیر قیم را در جریان هشت سال که مبین کاهش ارزش داخلی پول افغانی می باشد، استنباط کرد. از علما و متخصصین رشته های احصائیه و اقتصاد ملی احترامانه خواهش می شود تا احصائیه ها و اظهارات مسؤولین دولت را در قسمت بهتر نشان دادن سیر قیم، رشد اقتصاد، افزایش عایدات، افزایش محصولات اجتماعی و تعداد بیکاران را به دقت مورد مطالعه قرار داده یک گزارش بی طرفانه و علمی برای ملت افغانستان ارائه نمایند^v

در نظر اول می توان گفت، که ارزش خارجی پول افغانی در برابر دالر (اگر نرخ رسمی دالر را از قرار فی دالر ۴۹ افغانی قبول کنیم) بلند رفته است، اما دقیقاً نظریه دلایل ذیل به اثبات می رسد که در واقعیت صعود ارزش خارجی افغانی مصنوعی است:

الف- نرخ دالر بعد از بحران مالی سال های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ در برابر EURO تقریباً از ۲۹، ۱ به ۴۵، ۱ پائین آمده است.

ب- دافغانستان بانک سالانه در اثر از دیاد جریان دالر از کمک های انکشافی، معاشات افراد آیساف و کمک های افغان های مقیم خارج به خانواده ها را، به افغانی میپردازد.

ج- تقاضای خارج به محصولات افغانستان طوری نیست که منجر به از دیاد تقاضا برای پول افغانی شده باشد، تا به نوبه خود سبب از دیاد ارزش خارجی افغانی گردد.

پس گفته می توانیم، که در استقرار مصنوعی ارزش پول عوامل دیگری غیر از قدرت و توانائی اقتصادی که در محصولات اجتماعی نهفته است، نقش داشته است. بعد از این هشت سال نام نهاد طلائی، کاهش جریان دالر (در صورتی که احتیاجات اولیه توسط محصولات ملی رفع شده نتواند و بیلاس تجارت خارجی کمافی السابق منفی باشد)، منجر به سقوط ارزش داخلی و خارجی پول و باعث تورم پولی سرسام آور خواهد شد.

د پانو شمیره: له ۴ تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

دو- درجمله اخیر جزء (۲) ماده دوم قانون دافغانستان بانک آمده است: "دافغانستان بانک با درنظر داشت هدف اولیه اش سیاست های ملی اقتصادی دولت را حمایت و رشد اقتصاد دوام دار را تقویه می نماید". مزید به آن فقرة (۵) همین ماده دستور میدهد، تا دافغانستان بانک "منحیث بانکدار، مشاور و نماینده مالی دولت" اجرای وظیفه نماید.

شخصاً در هنگام اقامت هفت ساله خود در افغانستان (۱۳۸۳الی۱۳۸۹) از اقدامی که دافغانستان بانک در همین زمینه نموده باشد و در باره آن در رسانه ها گزارش داده باشد، اطلاعی ندارم. اما با تأسف از تصامیم دافغانستان بانک در مورد انحلال بانکهای انکشاف زراعتی، انکشاف صنعتی و رهنی و تعمیراتی و بعداً ادغام بانک انکشاف صادرات افغانستان با دپشتنی بانک که خلاف روحیه قوانین متذکره می باشد، مطلع شدم. در این باره با آقای دلاوری رئیس قبلی دافغانستان بانک صحبت کرده، شک و تردید اشخاص فنی و شخص خود را با ایشان درمیان گذاشتم. گرچه با من هموائی نشان داد، اما نتوانست کدام قدم عملی را در زمینه بردارد. قرار اطلاعات غیر رسمی تائید نشده، آقای دلاوری به ادامه فعالیت های نماینده های بانک جهانی موافق نبود. به عقیده نویسنده شاید این افواه درست نباشد؛ زیرا بانک انکشاف جهانی و بانک انکشاف آسیائی در تأسیس بانکهای انکشاف زراعتی و انکشاف صنعتی افغانستان سهم فعالانه داشتند. مزید بر آن بانک انکشاف زراعتی افغانستان خدمات ارزنده ای را در قسمت ترویج کود مصنوعی، میکانیزه شدن زراعت و ترویج کوپراتیف های زراعتی در اواخر دوره شاهی و در دوره جمهوری محمد داؤد شهید انجام دادند. بانک زراعتی یگانه مرجع قرضه دهنده به زارعین کشور بود. بانک انکشاف صنعتی از آغاز فعالیت الی سال ۱۳۴۴ به ۳۸ تصدی صنعتی در حدود ۱۷۰ میلیون افغانی قرضه های دراز و کوتاه مدت اعطا نمود.^{vi} موجودیت این بانکها برای اعطای قرضه های دراز مدت (برای سرمایه گذاری ها) و کوتاه مدت در افغانستان یک امر ضروری برای انکشاف زراعت، صنایع دستی باستانی و سکتور خصوصی صنعتی و نتیجتاً، رهائی از یوغ تولیدات بی کیفیت خارجی، ازدیاد محصولات ملی، اشتغال جوانان و خود کفائی می باشد. بانکهای فعلی تجارتي از نگاه وظیفه مجاز به اعطای قرضه های اختصاصی و دراز مدت نیستند. به استثنای یک تعداد بانکهای که در مراکز شهر های بزرگ قرضه های کوچک Micro Finance را عرضه میدارند، سایر بانکهای اختصاصی وجود ندارد تا معاملات اختصاصی مربوطه را انجام دهند. زارعین و صنعت کاران مجبوراند تا قرضه مورد ضرورت خویش را یا از اشخاص انفرادی به سود کمر شکن بدست آورند و یا از سرمایه دورانی ضروری صرف نظر کنند، که این خود باعث کاهش کیفیت و نوعیت محصولات می گردد. اگر بانک انکشاف زراعتی موجود می بود، حتماً مبلغ ۴۰۰ میلیون دالری که برای انکشاف زراعت افغانستان از طرف مؤسسات بین المللی در نظر گرفته شده بود، توسط همین بانک به زارعین مستحق به طور قرضه های دراز و کوتاه مدت اعطا می شد. دافغانستان بانک باید توجه جدی برای تأسیس کوپراتیف های زراعتی را در چوکات اهداف خویش شامل نماید و هم در این قسمت، هرگاه تا حال اتفاق نیافتاده باشد، برای دولت پیشنهادات و مشوره های لازم را ارائه دارد.

ادامه دارد

(i) مراجعه شود به شماره ۴۲ مورخه پنجشنبه ۲۵ میزان ۱۳۵۱ نشریه هفته یی انترنتی پیام مجاهد.

(ii) ر.ک به همین نشریه مورخه ۱۲ جدی ۱۳۸۱

(iii) از مشاهدات نویسنده حین سفر های متعددی که برای انجام کمک های بشری به مهاجرین افغانی در کمپ های مهاجرین در پشاور انجام داده است.

(iv) در قسمت افزایش نابرابر اقتصاد در افغانستان به نشریه مورخه ۲۴ می ۲۰۱۱ مراجعه شود. اینکه روی کدام دلایل رشد اقتصادی محصولات افغانستان از طرف جناب محترم وزیر تجارت به ۱۲٪ وانمود شده است، ابراز نظر کرده نمی توانم؛ زیرا آقای حجاج رئیس هیأت عامل اطاق های تجارت و صنایع در مورد مشکلات رشد اقتصادی افغانستان، در مجلس ولسی جرگه که محترم وزیران تجارت و صنایع، مالیه و معین وزارت اقتصاد هم حضور داشتند، اظهارات دیگری داشت. راجع به چگونگی رشد اقتصادی افغانستان و احصائیه گیری که به ارتباط به هم به عمل می آید، باید علمای اقتصاد ملی و احصائیه دانان ابراز نظریه نمایند.

(v) مقایسه شود نشریه ۲۴ می ۲۰۱۱ افغان جرمن آنلاین.

(vi) مراجعه شود به: محمد انور شبان، محمد نعیم اسد، امکانات استفاده از نظریات و سیاست پولی و بانکداری در افغانستان، چاپ، پشاور سنبله ۱۳۷۵ ص ۲۴۹ به بعد.